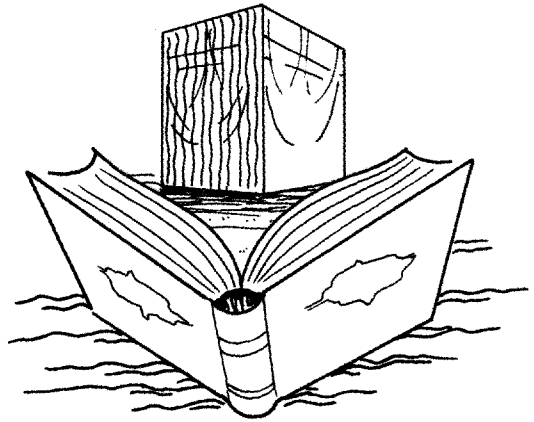


# تاریخ و رجال



# سیر تاریخی حج در قرآن

ناصر شکریان



## مقدمه

شکی نیست که از نظر آیات مبارک قرآن، کعبه خانه‌ای کهن و منسوب به حضرت ابراهیم است، اما پرسش این است که آیا کعبه پیش از حضرت ابراهیم وجود داشته یا نه؟ همه مفسران شیعه و بیشتر مفسران اهل سنت بر آنند که کعبه پیش از ابراهیم علیه السلام بوده و پیشینه آن، به زمان حضرت آدم، بلکه قبل از آن برمی‌گردد؛ چون از سویی ظاهر اطلاق آیه: «**إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا**»<sup>۱</sup> این است که کعبه کهن‌ترین معبد است و از سوی دیگر همه انبیا براساس آیات ۳۱، ۵۸ و ۵۹ مریم و آیات دیگر نماز و سجده می‌گزارند، پس اگر بگوییم قبله‌گاه آن‌ها غیر از کعبه بوده، با اطلاق آیه سازگاری نخواهد داشت.<sup>۲</sup> و همچنین، این آیه و آیه پس از آن، در مقام بیان مزایای خانه خدا است که نخستین مزیت آن، داشتن پیشینه طولانی و ممتد

ذکر شده است؛ به این معنی که محلی پیش از کعبه پرستشگاه عمومی مردم نبوده و گرنه اولیت آن باطل خواهد شد.

دلیل دیگر اینکه این آیه در پاسخ به ایراد یهود در تغییر قبله به سوی کعبه است که اعتراض کردند بیت المقدس سزاوار به استقبال است، چون که قبل از کعبه ساخته شده و قبله گروهی از انبیا بوده است؛ خداوند به وسیله نزول این آیه مبارکه، پاسخ داد: اگر کعبه قبله قرار گرفت، جای تعجب نیست، چون که نخستین خانه توحید و با سابقه‌ترین معبد در زمین است.

همچنان که تاریخ و سایر منابع اسلامی هم دلالت دارند که کعبه نه تنها پیش از بیت المقدس بوده، بلکه از زمان حضرت آدم وجود داشته و در تاریخ آمده است که از زمان‌های قدیم، تمام ملل و اقوام هند و فارس و کلدانیان و بودائیان و اعراب، که معتقد به پرستش بودند، به کعبه احترام



می‌گذاشتند؛ به طوری که نوشته‌اند از زمان‌های قدیم هفت معبد بزرگ و عمومی بوده که قدیمی‌تر از همه، کعبه است.<sup>۳</sup> از این رو، موئیر، خاور شناس مشهور انگلیسی، در کتابی که درباره شرح حال پیامبر اسلام نوشته، از تاریخ‌نگاری به نام دیودور - که نیم قرن قبل از میلاد مسیح می‌زیسته - نقل کرده که خانه کعبه قدیمی‌ترین محلی است که به عنوان بندگی خدا برای بشر ساخته شده است.<sup>۴</sup> در جوامع روایی شیعه و سنی، روایات زیادی نقل شده که دلالت بر وجود کعبه از زمان آدم دارد که برخی از این روایات، مربوط به دحو الأرض است.<sup>۵</sup>

اما بحث این است که آغاز مراسم حج و پیشینه تاریخی آن، به چه زمانی برمی‌گردد؟ آیا همزمان با وجود کعبه بوده یا از زمان حضرت ابراهیم؟ با توجه به این‌که در آیات قرآن، حج و کعبه به حضرت ابراهیم نسبت داده شده، لذا در این مقاله بررسی تاریخی حج را در ضمن چهار دور، به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱. پیش از حضرت ابراهیم.
۲. دوران حضرت ابراهیم.
۳. پس از حضرت ابراهیم تا ظهور اسلام.
۴. از زمان ظهور اسلام تا کنون.

### ۱. پیش از بعثت حضرت ابراهیم علیه السلام

با توجه به مطالب مقدمه، که در آن، موجودیت اجمالی کعبه پیش از زمان حضرت ابراهیم ثابت گردید و با ضمیمه این مطلب که کعبه اصولاً برای انجام مراسم حج به وجود آمده است، از این رو وجود اجمالی حج به کمک همان آیات و روایات، که توضیح آن‌ها در مقدمه گذشت، اثبات می‌شود.

شاهد این مطلب، تمسک امام صادق علیه السلام به همان آیات برای اثبات حج آدم و نوح و... می‌باشد:

قال الحلبي سئل أبو عبد الله عليه السلام عن البيت أكان يحج قبل أن يبعث النبي صلى الله عليه وآله؟ قال: نعم و تصدقه في القرآن قول شعيب، قال لموسى حيث تزوج ﴿عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَّجٍ﴾ و لم يقل ثمانين سنين، وإن آدم و نوحاً حجاً و سليمان بن داود قد حج البيت بالجن و الإنس و

الطير و الريح و حجّ موسى على جمل أحمر يقول: لَبَيْكَ لَبَيْكَ، وإِنَّه كما قال الله: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» وقال: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ» وقال: «أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» وَإِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الْحَجَرَ لآدَمَ وَكَانَ الْبَيْتُ».<sup>۶</sup>

روایت دیگر را زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که از حضرت پرسید:

«أَكَانَ يَحُجُّ إِلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يَبْعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: نَعَمْ، لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ النَّاسَ قَدْ كَانُوا يَحْجُّونَ وَنَخْبِرُكُمْ أَنَّ آدَمَ وَنُوحًا وَسَلِيمَانَ قَدْ حَجَّوْا الْبَيْتَ بِالْحَجَّ وَالْإِنْسَ وَالطَّيْرَ وَلَقَدْ حَجَّهَ مُوسَى عَلَى جَمَلٍ أَحْمَرَ يَقُولُ لَبَيْكَ لَبَيْكَ، فَإِنَّه كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ».<sup>۷ و ۸</sup>

همان‌طور که ملاحظه شد، امام صادق و امام باقر علیهما السلام برای اثبات حج انبیای سلف، تمسک به آیاتی نمودند که آن آیات درباره کعبه بود، اما از آن‌جا که کعبه ملازم با حج بوده و گویی راز اصلی پیدایش کعبه، انجام مراسم یا شکوه حج است، از این‌رو، امام علیه السلام به این آیات تمسک کرد و جالب این است که امام علیه السلام برای حج انبیا تعلیل به این آیات کرد و فرمود: «فإنه كما قال الله تعالى...».

و شاید وجه استشهاد امام صادق علیه السلام بر سه آیه، این باشد که آیه نخست مربوط به حجّ انبیا، تا پیش از ابراهیم<sup>۹</sup> و آیه دوم زمان ابراهیم و آیه سوم مربوط به بعد از زمان ابراهیم، یعنی سلیمان و موسی باشد، چرا که در آیه سوم، ابراهیم مأموریت یافت که خانه خدا را برای سه دسته (طائفین، عاکفین و رکع السجود) پاکسازی کند و روشن است که مراد، فقط طواف کنندگان در زمان ابراهیم نیست، بلکه شامل آنهایی است که بعداً هم می‌آیند. پس با تمسک به آیات، می‌توان وجود اجمالی حج را از زمان آدم تا ابراهیم اثبات کرد.

علاوه بر این آیات، روایات خاص دیگری هم نقل شده که دلالت بر انجام حج در این برهه از تاریخ دارد، که می‌توان این روایات را تحت عناوین زیر بیان کرد:

### \* حجّ جبرئیل و ملانکه

إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَنْ أَوَّلِ مَنْ حَجَّ مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ، فَقَالَ: جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ». <sup>۱۰</sup>  
 هم‌چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: بعد از این‌که آدم حجتش را تمام کرد، جبرئیل به او



گفت: «هَيِّئَا لَكَ يَا آدَمُ لَقَدْ طُفْتُ بِهَذَا الْبَيْتِ قَبْلَكَ ثَلَاثَةَ آلَافِ سَنَةٍ»<sup>۱۱</sup>  
 و در روایت دیگر فرمود: «لَمَّا أَفَاضَ آدَمُ مِنْ مَنِي تَلَقَّهَ الْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا يَا آدَمُ بَرَّ حَجَّكَ  
 أَمَا إِنَّهُ قَدْ حَجَّجْنَا هَذَا الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ تَحُجَّهُ بِالْفِي عَامٍ»<sup>۱۲</sup>.

مؤید این روایات، روایات دیگری است که زراره به امام صادق عرض می‌کند:  
 «جَمَعَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَسْأَلُكَ فِي الْحَجِّ مُنْذُ أَرْبَعِينَ عَامًا فَتَفْتِنِي، فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ بَيْتٌ يُحَجُّ  
 قَبْلَ آدَمَ عليه السلام بِالْفِي عَامٍ تُرِيدُ أَنْ تَفْتِنِي مَسْأَلُهُ فِي أَرْبَعِينَ عَامًا».

### \* حج آدم

بعد از جبرئیل و فرشتگان، نخستین کسی که خانه خدا را زیارت کرد و اعمال حج را انجام داد، حضرت آدم است که روایات در این زمینه زیاد است و مرحوم کلینی در فروع کافی بابی با نام حج آدم<sup>۱۳</sup> آورده است. این روایات در بیشتر کتب تفسیری<sup>۱۴</sup> و جوامع<sup>۱۵</sup> روایی نقل شده است.

### \* حج انبیای دیگر

افزون بر برخی از این روایات، که در آغاز این بخش ذکر شد، روایات دیگری هم نقل شده که دلالت بر وجود حج در این برهه از تاریخ دارد:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: «قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام إِنَّ سَفِينَةَ نُوحٍ كَانَتْ مَأْمُورَةً طَافَتْ بِالْبَيْتِ حَيْثُ غَرِقَتِ الْأَرْضُ ثُمَّ أَتَتْ مِنِّي فِي أَيَّامِهَا ثُمَّ رَجَعَتِ السَّفِينَةُ وَكَانَتْ مَأْمُورَةً وَطَافَتْ بِالْبَيْتِ طَوَافَ النِّسَاءِ»<sup>۱۶</sup>.

هم‌چنان‌که روایت «لم يزل كانت معمورة حتى زمن الطوفان» هم دلالت به ملازمه بر وجود حج در این زمان خاص دارد، چنان‌که از ابن جریر هم نقل شده که: «فَلَمَّا كَانَ زَمَنُ الطُّوفَانِ رُفِعَ فَكَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ عليهم السلام يَحُجُّونَهُ وَلَا يَعْلَمُونَ مَكَانَهُ حَتَّى بَوَّأَهُ اللَّهُ لِإِبْرَاهِيمَ عليه السلام فَاعْلَمَهُ مَكَانَهُ...»<sup>۱۷</sup>.

از مجموعه آیات و روایات گذشته، وجود اجمالی حج از زمان آدم تا زمان ابراهیم استفاده شده، اما کیفیت و چگونگی مراسم حج در آن زمان برای ما مبهم و مجمل است.

## ۲. حج در دوران حضرت ابراهیم علیه السلام

آنچه که از نظر قرآن امر مسلم، قطعی و انکار ناپذیر می باشد، وجود حج و احیای آن، در زمان حضرت ابراهیم است و این مطلب را می شود از آیات متعددی استفاده کرد که صریح ترین آنها آیه «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»<sup>۱۸</sup> می باشد که حضرت ابراهیم مأمور شد اعلان عمومی کند برای همه انسان ها؛ چه آن هایی که در آن زمان بودند و چه بعداً می آیند. از این رو بعضی از مفسران گفته اند که هرکس در هر زمان به حج مشرف می شود در حقیقت لیک به همان دعوت ابراهیم است؛ چه این که در آیه مبارکه «يَأْتُوكَ» هست نه «يَأْتُوهُ».<sup>۱۹</sup>

چنان که از آیه دیگر هم مطلب فوق استظهار می شود: «وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».<sup>۲۰</sup>  
 قدر متیقن این آیه مربوط به طواف کنندگان و زائران در زمان حضرت ابراهیم می باشد. به علاوه از آیه مبارکه: «أَرَانَا مَنَاسِكَنا»<sup>۲۱</sup> هم می شود وجود اجمالی حج در زمان ابراهیم را اثبات کرد که توضیح آن، در بحث های بعد خواهد آمد.

پس، وجود حج در زمان ابراهیم، امری است مسلم و قطعی، اما این که چگونه انجام می گرفته و چه مناسکی وجود داشت، دقیقاً مشخص نیست. فی الجمله، از بعضی آیات و روایات می شود برداشت کرد که اعمال زیر در آن زمان وجود داشته و جزو مناسک حج بوده است:

۱. طواف: از آیه: «طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ».<sup>۲۲</sup>

۲. سعی: از ظاهر آیه: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا»<sup>۲۳</sup> برداشت می شود که سعی، پیش از اسلام وجود داشته و احتمالاً به زمان ابراهیم بر می گردد؛ چون یکی از حکمت های وجود سعی را همان هفت مرتبه سعی هاجر در میان کوه صفا و مروه، برای یافتن آب جهت رفع تشنگی اسماعیل دانسته اند.

۳. قربانی: آیات: ۱۰۲ تا ۱۰۷ سوره مبارکه صافات، مربوط به ذبح حضرت اسماعیل است.

۴. رمی: از روایاتی که در ذیل آیات مربوط به ذبح اسماعیل نقل شده، استفاده می شود



که رمی از آن زمان تشریح شده است.

۵. وقوف در عرفات: بعضی از روایاتی که در ذیل آیه فوق و آیه: ﴿ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ نقل شده، ظهور در این دارد که یکی از اعمال مناسک حج در زمان ابراهیم، وقوف در عرفات بوده است. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ عَرَفَاتٍ، لِمَ سُمِّيَتْ عَرَفَاتٍ؟ فَقَالَ: إِنَّ جَبْرَيْلَ عليه السلام خَرَجَ بِإِبْرَاهِيمَ عليه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ فَلَمَّا زَالَتِ الشَّمْسُ، قَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ: يَا إِبْرَاهِيمُ اعْتَرَفْ بِذَنْبِكَ وَاعْرِفْ مَنَاسِكَكَ فَسُمِّيَتْ عَرَفَاتٍ لِقَوْلِ جَبْرَيْلَ اعْتَرَفَ فَاَعْتَرَفَ.»<sup>۲۴</sup>

### ۳. بعد از ابراهیم تا ظهور اسلام

وجود حج در این برهه از زمان هم جای هیچ شک و شبهه نیست. علاوه بر آیات و روایاتی که در آغاز این فصل گذشت، آیات دیگری هم دلالت بر وجود حج و کیفیت بعضی از مناسک حج در این زمان خاص دارد که شرح آنها در ذیل می آید.

۱. ﴿قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِكَ إِذْ نَحْنُ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ...﴾<sup>۲۵</sup>. آیه مبارکه، در مورد ازدواج حضرت موسی با یکی از دختران شعیب است که مهریه دخترش، هشت سال کار قرار داده شد. از این که به جای «ثمانی سنین» «ثمانی حجج» ذکر شده، فهمیده می شود که در آن زمان، حج آن قدر معروف بوده که معیار شمارش سال قرار می گرفت و از سوی دیگر بیانگر این مطلب است که در هر سال یک بار حج صورت می پذیرد؛ چنان که امام صادق عليه السلام در پاسخ پرسش کننده ای که پرسید: آیا قبل از اسلام مردم حج انجام می دادند؟ فرمود:

«نعم و تصدیقه فی القرآن قول شعیب حین قال لموسی حیث تزوج ﴿عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ﴾ و لم یقل ثمانی سنین.»<sup>۲۶</sup>

۲. ﴿وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾<sup>۲۷</sup>

پیمان الهی از دو پیامبر بزرگوار این بود که: کعبه را برای زائران و طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجده گزاران؛ چه آنهایی که الآن موجود هستند و چه آنان که بعداً می آیند، پاک و پاکیزه نگه بدارند؛ به خصوص با عنایت به این که این مأموریت در اواخر عمر حضرت

ابراهیم به او ابلاغ شد و به یقین مربوط به زمان خاص نبوده است. شاهد قطعی این برداشت، روایتی بود که قبلاً ذکر شد که امام صادق علیه السلام برای اثبات حج حضرت موسی و سلیمان و... تمسک به همین آیه فرمودند:

«...إِنَّ آدَمَ وَنُوحًا وَحَبْرًا وَسُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ... وَحَجَّ مُوسَى... إِنَّهُ كَمَا قَالَ اللَّهُ... وَقَالَ «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ» وَقَالَ: «أَنْ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ...»<sup>۲۸</sup>. توضیح آن پیشتر گذشت.

علاوه بر این آیات، روایاتی هم راجع به حجّ موسی و سلیمان و داود و عیسی و... در کتب روایی نقل شده که مرحوم کلینی آنها را در فروع کافی با عنوان «حج الأنبياء»<sup>۲۹</sup> جمع آوری کرده است.

و از بعض روایات استفاده می شود که برای مردم جای سؤال بود که آیا حج به وسیله اسلام تأسیس شد یا قبل از اسلام هم وجود داشت؛ از جمله روایاتی که زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده که از حضرت سؤال کردند: آیا قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حج انجام می گرفت یا نه؟ فرمود: بله. سپس تعبیری به کار برد که دلالت بر استمرار حج در زمان های گذشته دارد: «أَنَّ النَّاسَ قَدْ كَانُوا يَحُجُّونَ». آنگاه فرمود: «نُخْبِرُكُمْ أَنَّ آدَمَ وَنُوحًا وَسُلَيْمَانَ قَدْ حَجُّوا الْبَيْتَ... وَ لَقَدْ حَجَّهُ مُوسَى علیه السلام»<sup>۳۰</sup>.

بعد از جبرئیل و فرشتگان، نخستین کسی که خانه خدا را زیارت کرد و اعمال حج را انجام داد، حضرت آدم است که روایات در این زمینه زیاد است.

### حج در دوران جاهلیت

دسته دیگر از آیات، نه تنها دلالت بر وجود حج در زمان جاهلیت دارد، بلکه چگونگی بعضی از مناسک حج را نیز بیان کرده است که آن آیات به شرح زیر است:

۱. «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً»<sup>۳۱</sup>.

این آیه ظهور دارد که نماز و دعای آنها هنگام انجام حج، به صورت سوت کشیدن و کف زدن بوده است.

۲. «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۳۲</sup>.





این آیه ناظر به یکی از عادات مشرکین مکه در زمان جاهلیت است که وقوف در عرفات را مربوط به کسانی می‌دانستند که از خارج مکه برای حج می‌آمدند، اما قریش و طوایف اطراف حرم و وابستگان قریش، از این کار معاف بودند، چنان‌که امام صادق علیه السلام در بیان این آیه فرمود:

«أُولَئِكَ قُرَيْشٌ كَانُوا يَقُولُونَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِالْبَيْتِ فَلَا تَفِيضُوا إِلَّا مِنَ الْمُزْدَلِجَةِ فَأَمْرُهُمُ اللَّهُ أَنْ يُفِيضُوا مِنْ عَرَفَةَ».<sup>۳۳</sup>

این امتیاز و برخی امتیازات دیگر را اصطلاحاً «حمس»<sup>۳۴</sup> می‌نامند، یعنی قریش معتقد بودند که چون از فرزندان ابراهیم و سرپرستان خانه خدا و اهل حرم و ساکن مکه هستند و هیچ‌یک از عرب‌ها مقام و منزلت آنها را ندارند، پس امتیازاتی بر دیگران دارند. استفاده کنندگان این امتیازات را حُمس نامیده‌اند و لذا می‌گفتند چون عرفات از محیط حرم خارج است، پس وقوف در آن مربوط به اهل حرم نمی‌باشد، اما آیه مذکور، این‌گونه امتیازات را لغو کرده است:

۳. «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا».<sup>۳۵</sup>

این آیه اشاره به یکی دیگر از عادات مردم جاهلی در موسم حج دارد که پس از انجام مراسم حج، اجتماعی تشکیل می‌دادند و افتخارات موهومی را که از ناحیه پدران نصیبشان شده، با تکیه بر ارزش‌های جاهلی یاد می‌کردند و بدان می‌بالیدند، چنان‌که امام صادق علیه السلام در این مورد فرمود:

«كَانُوا إِذَا أَقَامُوا بِمِنَى بَعْدَ النَّحْرِ تَفَاخَرُوا فَقَالَ الرَّجُلُ: مِنْهُمْ كَانَ أَبِي يَفْعَلُ كَذَا وَكَذَا فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: «فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا»».<sup>۳۶</sup>

همچنین امام باقر علیه السلام در بیان آیه فرمود: «كانوا إذا فرغوا من الحج يجتمعون هناك و يعدون مفاخر آبائهم و ما أثرهم و يذكرون أيامهم القديمة و يأديهم الجسيمة فأمرهم الله سبحانه أن يذكروه مكان ذكرهم آبائهم في هذا الموضع أو أشد ذكراً».<sup>۳۷</sup>

۴. «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ غَافِلِينَ وَ يُحَرِّمُونَهُ غَافِلِينَ لِيُؤْاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ».

این آیه کریمه ناظر به یک سنت غلط جاهلی به نام «نسیء» به معنای تغییر دادن جای

ماه‌های حرام است که این عمل هر ساله طی مراسم خاصی در سرزمین منا انجام می‌گرفت که نشان از سودجویی آنها بود؛ چون که با این تغییر و تحوّل، قصد داشتند حج در موقعی برپا شود که منافع بازرگانی و تجارتي آنها هم تأمین گردد. از این رو، سعی می‌کردند که حج در خرم‌ترین ایام سال و آسان‌ترین زمان برای رفت و آمدهای تجاری انجام پذیرد. اما از آن جا که حج باید در ایام ذی‌حجه واقع شود و گاهی ذی‌حجه در فصل گرمای طاقت‌فرسای مکه می‌افتد که هم حج‌گزاران به زحمت می‌افتند و هم معادلات تجاری به نحو مطلوب انجام نمی‌گرفت، از این رو با عمل «نسی» کاری می‌کردند که موسم حج، همواره در فصل معتدلی واقع شود و این عمل تا سال دهم هجرت ادامه داشت تا این که به وسیله پیامبر خدا در حجة‌الوداع، استفاده از این عمل ممنوع و باطل اعلام گردید<sup>۳۸</sup> بلکه نسیء با نزول این آیه کفر محسوب گردید تا مراسم حج، بازیچه‌ای در دست سودجویان واقع نگردد.<sup>۳۹</sup>

۵. «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ»<sup>۴۰</sup>.

در زمان جاهلیت، این توهم وجود داشت که معامله و تجارت و بارکشی و مسافربری به هنگام موسم حج، حرام و گناه و موجب بطلان حج می‌گردد،<sup>۴۱</sup> اما خداوند با نزول این آیه فرمود: هیچ‌گونه مانعی برای تجارت در ایام حج وجود ندارد، بلکه براساس آیه: «لَيْشَهُدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...» و روایاتی که از ائمه<sup>علیهم‌السلام</sup> نقل شده، یکی از حکمت‌های حج، منافع اقتصادی آن می‌باشد.

۶. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۴۲</sup>.

این آیه، بنا به شأن نزولی که بعضی از مفسران گفته‌اند، اشاره به یک رسوم خرافی دیگر در موسم حج، در زمان جاهلی، دارد که هرکس هنگامی که لباس احرام را به تن کرد، دیگر نباید از راه معمولی و در خانه وارد شود، بلکه در پشت خانه نقبی می‌زدند که به هنگام احرام فقط از این راه رفت و آمد کنند؛ به طوری که این عمل نزد آنها نیکو شمرده می‌شد؛ زیرا نوعی ترک عادت تلقی می‌گردید و از آن رو که احرام ترک عادت است، پس از این ترک عادت، آن را تکمیل می‌کردند، اما خداوند با نزول این آیه، ملاک بر و نیکی را تقوا دانسته است.<sup>۴۳</sup>

۷. «إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ

يَطَّوَّفَ بِهِمَا»<sup>۴۴</sup>.



یکی از اعمال حج در جاهلیت، سعی میان کوههای صفا و مروه بود، ولی در بالای این دو کوه، دو بت به نام‌های اساف و نائله نصب بود که آنها به‌هنگام سعی، برای این دو بت احترام قائل می‌شدند. مسلمانان به‌خاطر سابقه این موضوع، کراهت داشتند در ایام حج سعی میان صفا و مروه کنند و تصور می‌کردند این یک عمل جاهلی است. خداوند با نزول این آیه، آن تصورات را مردود دانست و سعی میان صفا و مروه را یکی از شعائر دین مطرح کرد؛ چنان‌که معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در ضمن حدیثی طولانی فرمود:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا يَطْنُونَ أَنَّ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ شَيْءٌ صَنَعَهُ الْمُشْرِكُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿...﴾ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...»<sup>۴۵</sup>

از عادات دیگر جاهلیت در مراسم حج، طواف در حال برهنگی است. آنان معتقد بودند که تأمین لباس احرام در اختیار قریش قرار دارد و اگر کسی جامه احرام تهیه نمی‌کرد، می‌بایست برهنه طواف کند و طواف با لباس و پارچه‌ای که از خارج حرم باشد را باطل می‌دانستند، چنان‌که مرحوم فیض از امام صادق علیه السلام در این باره روایت آورده که آن حضرت فرمود:

«وكان سنة من العرب في الحج أنه من دخل مكة و طاف بالبیت في ثيابہ لم يحل له إمساكها و كانوا يتصدقون بها و لا يلبسونها بعد الطواف فكان من وافى مكة يستعير ثوبا و يطوف فيه ثم یرده و من لم يجد عاریة اکتري ثياباً و من لم يجد عاریة و لا کرى و لم یکن له إلا ثوب واحد طاف بالبیت عرباناً فجاءت امرأة من العرب و سیمة جميلة فطلبت ثوبا عاریة أو کرى فلم تجده فقالوا لها إن طف في ثيابک احتجت أن تتصدقی بها فقالت و کیف أتصدق و لیس لی غیرها فطافت بالبیت عربیانة و أشرف لها الناس»<sup>۴۶</sup>

بعضی از مفسران، این عادت زشت جاهلیت را در ذیل آیه: «وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَ جَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَ اللَّهُ آمَرْنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحِشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۴۷</sup> ذکر کرده‌اند و مراد از فحشا یا یکی از مصادیق آن را، همین عمل قبیح جاهلی دانسته‌اند.<sup>۴۸</sup>

عادت دیگر آنها در مراسم حج این بود که می‌گفتند: هرکس از خارج حرم برای زیارت خانه خدا بیاید، نمی‌تواند از غذای حل استفاده کند،<sup>۴۹</sup> بلکه باید از غذای اهل حرم استفاده

کند. این عمل در عین این که یک بدعت بود، سود فراوانی برای قریش داشت که خود را متولیان حرم می دانستند. بعضی از مفسران این عادت را در ذیل آیه: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾<sup>۵۰</sup> یا آیه قبل ذکر کرده اند.<sup>۵۱</sup>

### جمع بندی

از مجموعه آیات و روایات استفاده شد که حج در این برهه از تاریخ، نه تنها وجود داشته، بلکه امری معروف و مشهور بوده؛ به طوری که معیار شمارش سال قرار گرفته بود و در هر سال این عمل عبادی انجام می گرفته است. منتهی به وسیله سودجویان و قدرت طلبان، حج از حقیقت اصلی و توحیدی اش منحرف گشت و هرکس برای منافع شخصی یا گروهی، چیزی را بر آن اضافه یا جایگزین نمود و عبادت مردم در پاک ترین مرکز عبادت، تبدیل به سوت کشیدن و کف زدن و فحشا و تفاخرات موهوم و آلوده به انواع بدعت ها و خرافات گردید و کانون توحیدی که به وسیله ابراهیم پاکسازی شده بود، تبدیل به بت خانه و بتکده شد؛ به طوری که هر گروهی که به مکه می آمد، برای خود بتی داشت و در مقابل آن تعظیم و کرنش می کرد.

### ۴. حج از زمان ظهور اسلام تا کنون

این برهه از زمان را به سه دوره تقسیم نموده، سپس هر دوره را به طور جداگانه بررسی می کنیم:

- \* حج در زمان پیامبر خدا ﷺ
- \* حج در زمان ائمه معصومین علیهم السلام
- \* حج در عصر کنونی

### الف: حج در زمان پیامبر خدا ﷺ

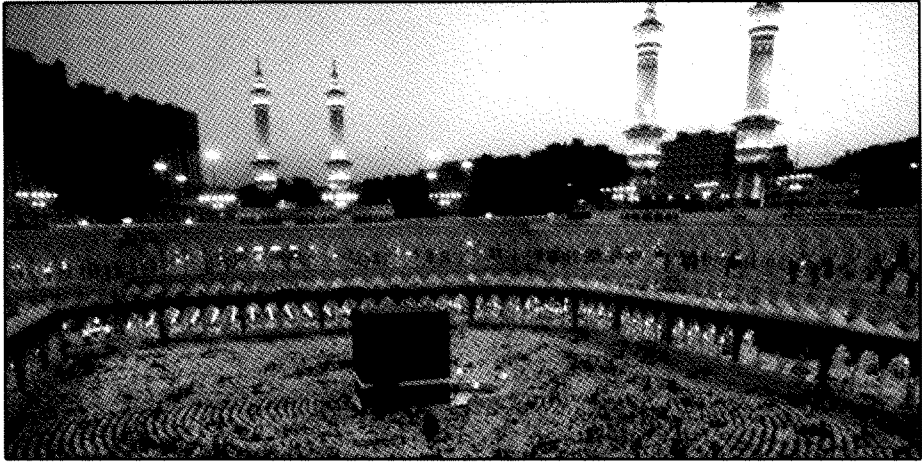
از مطالبی که گذشت، این نتیجه به دست آمد که: حج در فاصله زمانی میان حضرت ابراهیم و بعثت پیامبر خدا، از معنای حقیقی خود خارج و دچار تحریف گردید و کانون توحید، که قهرمان توحید ایجاد کرده بود، مبدل به بت خانه و آلوده به مشتی خرافات و موهومات و بدعت ها شد و این وضع با ظهور اسلام تا زمان فتح مکه؛ یعنی سال هشتم هجرت



باقی ماند؛ چراکه مکه و کعبه تا آن زمان در دست مشرکان و سران قریش بود. از این رو، مراسم حج بر همان اساس جاهلیت انجام می‌گرفت. پیامبر خدا ﷺ در سال ششم هجرت با نزول آیه «اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ»<sup>۵۲</sup> تقریباً با ۱۴۰۰ نفر از مدینه به قصد حج خارج شد و در مسجد شجره محرم گردید. اما از آن جاکه مکه هنوز در سیطره و سلطه مشرکان بود، جلوی کاروان حج را گرفتند که منجر به صلح حدیبیه گردید<sup>۵۳</sup> و آیه مبارکه: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ»<sup>۵۴</sup> در آن زمان نازل شد. پیامبر ﷺ با اصحاب خود به مدینه برگشتند، اما براساس یکی از بندهای صلح حدیبیه، پیامبر در سال بعد، تقریباً با ۲۰۰۰ نفر و هشتاد شتر قربانی، عمره القضاء را انجام داد<sup>۵۵</sup> و مسلمانان، با شکوه و جلال خاصی لبیک‌گویان، در حالی که عبدالله بن رواحه شتر پیامبر را در دست داشت، وارد مکه شد و قریش برای این که این صحنه دشوار را نبینند مسجدالحرام را خالی و برفراز کوه ابوقیس به تماشا ایستادند. پیامبر سواره وارد مسجدالحرام و سواره طواف نمود و بعد از پایان عمره، به مدینه برگشتند و این نخستین عمره‌ای بود که در اسلام رسماً انجام پذیرفت.

عمره رسمی دوم<sup>۵۶</sup> در سال هشتم هجرت، در فتح مکه انجام گرفت که پیامبر در این سال همچون ابراهیم خلیل، مشغول پاکسازی حریم قدس کعبه از بت و بت‌پرستی شد و با تلاوت آیه: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»<sup>۵۷</sup> بت‌ها را یکی پس از دیگری به زمین کشید. اما نخستین حج واجب که بعد از بعثت پیامبر خدا ﷺ به طور رسمی انجام گرفت، در سال نهم پس از هجرت بود که به دلایلی، خود پیامبر در آن شرکت نکرد و امیرالحاج در آن سال حضرت علی، امیر مؤمنان علیه السلام بود و در این سال بود که سوره براءت نازل شد و پیامبر ﷺ به علی علیه السلام مأموریت داد که برای اعلام جدایی کامل مرز توحید از شرک و کفر و جدایی صفوف مسلمانان از صفوف کفار، چند آیه از اوایل سوره براءت را همراه با قطعنامه‌ای در مجمع عمومی حج برای مردم قرائت کند و این سال از یک طرف آخرین سال شرکت مشرکین در مراسم حج بود و از سوی دیگر، نخستین سالی بود که مسلمانان و مشرکان، با هم مراسم حج برگزار انجام کردند.

اما بزرگ‌ترین و شکوهمندترین حج در اسلام، در سال دهم هجرت واقع شد، که پیامبر خدا در آن شرکت کرد<sup>۵۸</sup> و مناسک و اعمال واقعی حج را در عمل به مسلمانان آموزش داد و فرمود: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»؛ همانگونه که در مورد نماز فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي».



ابتدا و انتهای این مراسم، با مجموع خطبه‌های آن حضرت در جوامع روایی و تاریخی فریقین نقل شده است. تلاش پیامبر در این حج، این بود که مناسک حج را از آلودگی‌های شرک جاهلی و بدعت‌ها و خرافات پاک کند و این اولین حجی بود که هیچ مشرکی حق شرکت در آن را نداشت. از این رو، تمام ویژگی‌های حج جاهلی نفی و محتوای توحیدی حج در قالب مناسک حج به وسیله پیامبر مکرم اسلام در عمل و منطق بیان شد و هرگونه امتیازطلبی و تبعیض لغو و حتی اختلافات ظاهری برکنار گردید و همه با یک شکل و یک لباس و یک نوع عمل، به انجام مناسک حج پرداختند و بدین وسیله افزون بر تعلیم صحیح مناسک حج، عظمت اسلام و مسلمانان به نمایش گذاشته شد و این اولین و آخرین حجی بود که شخص پیامبر در جمع مسلمانان شرکت کرد، اما در این که پیامبر چند حج و عمره انجام داد، اختلاف نظریه وجود دارد و در بعضی روایات، تا ۲۰ حج برای پیامبر ذکر شده که حضرت مخفیانه انجام داده است؛ چنان که فرمود: «حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ص عَشْرِينَ حَجَّةً مُسْتَسِرَّةً».<sup>۵۹</sup>

همچنان که در سال وجوب حج در اسلام هم اختلاف وجود دارد که آیا در سال ششم هجرت با نزول آیه: «وَ اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»<sup>۶۰</sup> واجب شد یا در سال نهم و یا در سال دهم با نزول آیه: «وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ»<sup>۶۱</sup> که پیامبر تصمیم به حج گرفت.

### ب: حج در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام

از آن جا که امامان معصوم تجسم خط راستین اسلام ناب محمدی و وارثان صالح پیامبر و احیاگر سنت رسول الله و مروّج فرهنگ اصیل اسلام و حافظان زحمات رسول مکرم اسلام و...



هستند، در طول تاریخ زندگی‌شان با بذل جان و مال در حفظ و نگهداری آن کوشیدند و امامان معصوم، به تعبیر امام سجاده علیه السلام فرزندان راستین مکه و منا و کعبه و... و پاسدار روح کعبه هستند و با حضور فکری و تبلیغی و شخصی و عینی خود، در حفظ و حراست حج، از هیچ‌گونه تحریفی مضایقه نداشتند؛ چراکه حج یکی از سنگرها و پایگاه‌های مهم برای ترویج و احیای فرهنگ غنی اسلام است. از این رو، ائمه علیهم السلام در طول زندگی، اصرار بر حضور شخصی خود در حج داشتند که سفرهای متعدد امامان و خطبه و سخنرانی‌های آنها در مواضع مختلف حج، گویای حساسیت امامان معصوم بر مسئله حج است که از هر فرصت مناسب در مسجدالحرام و عرفات و... استفاده نموده و به تشکیل جلسه و ایراد سخنرانی می‌پرداختند؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام برای حفظ قداست کعبه و حرم، حاضر شد حج را ناتمام گذارده، به بیابان‌ها آواره گردد تا حریم امن الهی دچار خدشه نشود.

روایات و احادیثی که درباره اهمیت حج و بخش‌های مختلف این نوشته و جوامع روایی، از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده، شاهدی گویا بر اهمیت و عظمت این فریضه الهی و از سوی دیگر نشانه اهتمام ائمه علیهم السلام بر حفظ و حراست حج از هرگونه تحریف است و بنا به روایات مختلفی امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، در هر سال، در مراسم باشکوه حج شرکت می‌نمایند، چنان‌که امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود:

«يَقْفِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»،<sup>۶۲</sup> همچنان‌که از محمدبن عثمان،

یکی از نواب خاص امام زمان علیه السلام نقل شده است که:

«وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرَوْنَهُ».<sup>۶۳</sup>

### ج : حج در عصر کنونی

از آن جا که مراسم باشکوه حج، مهم‌ترین سنگر و پایگاه برای ترویج اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است و آثار و فواید مختلفی در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به همراه دارد و از سوی دیگر، موجب اتحاد مسلمین جهان و شکوه و عزت اسلام و در مقابل، موجب ضعف و زبونی دشمنان اسلام و مسلمین می‌گردد. از این رو، همه کسانی که به نحوی منافعشان از طریق انجام حج به خطر می‌افتد، سعی بر آن داشته و دارند که حج را از مسیر واقعی آن منحرف و بی‌اثر و بی‌خاصیت گردانند که شیطانی‌ترین راه

برای تأمین این اهداف شوم، ابقای ظاهری حج و بی محتوا کردن آن است؛ به خصوص در این چند سال اخیر که پای استعمار به کشورهای اسلامی باز شده و متوجه عظمت و قدرت حج گردیده‌اند و فهمیده‌اند که انجام صحیح حج، با منافع آنها سازگاری ندارد، به کمک سلاطین خود فروخته و وعاظ درباری، در صدد بی روح و بی خاصیت کردن حج برآمدند که متأسفانه تا حدودی موفق شدند و این اهرم قوی و بی نظیر را از دست مسلمانان گرفتند.

این اولین بار نیست که حج دچار تحریف شده، بلکه در دوران جاهلیت هم تحریف گردید که با ظهور اسلام و بعثت نبی مکرم، احیا و مورد پاکسازی شد.

اگر در آن روز، کفار قریش بت و... را می پرستیدند و اعمال حج را آلوده به انواع خرافات و بدعت‌ها کرده بودند، امروز هم بت‌های غرب مورد پرستش واقع می‌شوند و اعمال حج آلوده به انواع موهومات و بدعت‌ها توسط وهابی‌ها گردیده است که این بار ندای بازگشت به حج ابراهیمی از حلقوم پاک و نورانی بت شکن قرن، حضرت امام خمینی ره نواخته شد و ملت مسلمان ایران، با الهام از رهنمودهای حضرت امام راحل و مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه‌ای، مصمم است حج را به همان حقیقت اصلی اش برگرداند و حج واقعی را از حج آمریکایی جدا کند و فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را به پیروی از حضرت علی علیه السلام هر چه رساتر به گوش جهانیان برساند و دست برادری و اتحاد را هر چه بیشتر بفشارند و از هرگونه عمل تفرقه‌انگیز خودداری نمایند، بلکه از گرفتاری‌های برادران ایمانی مطلع و آگاه شوند و در رفع آن، در حد وظیفه اسلامی و وجدانی بکوشند و در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار همفکر و هم پیمان شوند و برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین چاره‌ای بیندیشند.<sup>۶۴</sup>

### پی نوشت‌ها:

۱. آل عمران: ۹۶
۲. آیت الله جوادی آملی، فصلنامه «میقات حج»، ش ۴، ص ۵۵
۳. المیزان، ج ۳، ص ۳۱۹
۴. غفاری، ابراهیم، راهنمای حرمین شریفین، ج ۱، ص ۱۵۷
۵. قوله تعالی ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ بسطها، من دحوت الشيء دحواً بسطته و في الحديث يوم دحو الأرض، بسطها من تحت الكعبة و هو اليوم الخامس والعشرون من ذي القعدة؛ شيخ فخرالدین الطریحي، ج ۱، ص ۱۳۴



۶. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۵۵ و تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۰ و الحج فی الكتاب والسنة، ص ۱۸۱
۷. آل عمران: ۹۶
۸. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۰ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۶
۹. احتمال هم دارد که آیه اول مربوط به همه ازمنه، از زمان آدم تا خاتم باشد، چنان که ظاهر روایت دوم این است.
۱۰. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۶۵ و عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴۳
۱۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۱
۱۲. فروع کافی، ج ۴، ص ۱۹۶ و من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۸
۱۳. فروع کافی، ج ۴، ص ۱۹۰
۱۴. برهان، ج ۱، ص ۱۵۵ و ۳۰۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۲۶ و درالمنثور، ج ۱، ص ۳۰۵
۱۵. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۰ و ۴۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۴۸ و فروع کافی، ج ۴، ص ۱۹۰
۱۶. فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۳
۱۷. درالمنثور، ج ۱، ص ۳۰۸
۱۸. حج: ۲۷
۱۹. جرعه‌ای از بیکران زمزم، ص ۱۱۰
۲۰. بقره: ۱۲۵
۲۱. بقره: ۱۲۸
۲۲. حج: ۲۶
۲۳. بقره: ۱۵۸
۲۴. نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۷
۲۵. قصص: ۲۷
۲۶. برهان، ج ۱، ص ۱۵۵ و عیاشی، ج ۱، ص ۶۰
۲۷. بقره: ۱۲۵
۲۸. برهان، ج ۱، ص ۱۵۵ و عیاشی، ج ۱، ص ۶۰
۲۹. فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۲
۳۰. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۹؛ برهان، ج ۱، ص ۳۰۰
۳۱. انفال: ۳۵
۳۲. بقره: ۱۹۹
۳۳. برهان، ج ۱، ص ۲۰۱
۳۴. ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۹۰ و سیره ابن هشام، ج ۱ و ۲، ص ۱۹۹، تا ۲۰۴
۳۵. بقره: ۲۰۰
۳۶. نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۸ و برهان، ج ۱، ص ۲۰۲ و درالمنثور، ج ۱، ص ۵۵۷ (شبهه به این روایت).

۳۷. مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۰
۳۸. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۷؛ درالمنثور، ج ۴، صص ۱۸۸ و ۱۸۹
۳۹. راجع به نسیء، معانی دیگری هم ذکر شده که به خاطر مربوط نبودن به بحث، از ذکر آن خودداری می‌کنیم.
۴۰. بقره: ۱۹۸
۴۱. درالمنثور، ج ۱، صص ۵۳۴ و ۵۳۵
۴۲. حج: ۲۸
۴۳. این یکی از معانی آیه است، معانی دیگر هم برای آیه ذکر شده است.
۴۴. بقره: ۱۸۹
۴۵. نورالثقلین، ج ۱، صص ۱۴۶ و ۱۴۸ و درالمنثور، ج ۱، صص ۳۸۴ تا ۳۸۹
۴۶. صافی، ج ۲، ص ۳۱۹
۴۷. اعراف: ۲۸
۴۸. صافی، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مجمع البیان، ج ۲، صص ۴۱۰ و ۴۱۳؛ درالمنثور، ج ۳، صص ۴۳۶ و ۴۳۷
۴۹. ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۹۰
۵۰. اعراف: ۳۲
۵۱. درالمنثور، ج ۳۲، صص ۴۴۶ و ۴۴۰
۵۲. بقره: ۱۹۶
۵۳. بحار الأنوار، ج ۲۰، صص ۳۱۷ تا ۳۷۷؛ تاریخ طبری، ج ۱، صص ۶۲۷ و ۶۲۸؛ ابن اثیر، ج ۱، صص ۵۸۲ تا ۵۹۰؛ سیره ابن هشام، ج ۲، صص ۳۰۸ تا ۳۲۲
۵۴. فتح: ۱۸
۵۵. ابن اثیر، ج ۱، ص ۶۰۳ و سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۷۰
۵۶. تعداد عمره پیامبر میان ۳ و ۹ ذکر شده است؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۵، باب ۱۷۱ و وافی، ج ۳، ص ۲۳۰
۵۷. اسراء: ۸۱
۵۸. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۷۸ تا آخر؛ فروع کافی، ج ۴، ص ۲۴۵؛ ابن اثیر، ج ۱، صص ۶۵۱ و ۶۵۲؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۶۰۱ به بعد.
۵۹. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۹۸؛ فروع کافی، ج ۴، صص ۲۴۵ و ۲۵۱؛ فقیه، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۶۵۳؛ عدد حج النبوی ﷺ.
۶۰. بقره: ۱۹۶
۶۱. حج: ۲۷
۶۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱
۶۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲
۶۴. با استفاده از رهنمودهای حضرت امام خمینی رحمته الله علیه.